

## بخش مستقیم ماهواره‌ای، پیامدها و سیاست‌ها

غلامرضا ارجمندی

عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور

### مقدمه

از عمر بخش مستقیم ماهواره‌ای به مثابه یک دستاورد علمی - فناورانه بیش از یک دهه می‌گذرد. فاصله‌ی بین معرفی این پدیده به جامعه‌ی جهانی (۱۹۸۹ میلادی) تا لحظه‌ی حاضر را رخدادهای زیادی پر کرده‌اند که یکی از مهمترین آنها را می‌توان واکنش دولت‌ها در قبال پیامدهای این پدیده‌ی نوظهور، در قالب سیاست‌های ارتباطی متفاوت، ذکر کرد.

در حالی که کشورهای صنعتی «شمال»، جز در موارد بسیار استثنایی، در چارچوب سیاست‌های ارتباطی باز خود از این پدیده استقبال کردند، کشورهای «جنوب» از همان ابتدای برخورد با آن با پارادوکس پیچیده‌ای روبرو شدند. برای آنها مدارا در قبال این پدیده و پذیرش آن به همان میزان ایجاد مشکل می‌کند که مقاومت در برابر آن. پیامد این وضعیت خصوصاً در کشورهای خاورمیانه و اسلامی منجر به اتخاذ و اعمال ظریف و وسیعی از سیاست‌های مرتبط با بخش مستقیم ماهواره‌ای شده است. از یک طرف کشورهایی مانند ترکیه و مصر از سیاست‌های باز پیروی می‌کنند، از طرف دیگر کشورهایی مانند عربستان سعودی و ایران پیروی از سیاست‌های بسته را ترجیح می‌دهند. این سیاست‌ها علیرغم آنکه در تقابل با یکدیگر قرار دارند، دارای یک وجه اشتراک نیز هستند که عبارت است از اتخاذ آنها از سر اضطرار.

در مقاله‌ی حاضر تلاش شده است تا ضمن ارائه‌ی گزارش مختصری از روند معرفی و نفوذ بخش مستقیم ماهواره‌ای به جامعه‌ی ایران، به پیامدهای این نوع بخش که در کنار سایر تحولات فناورانه و اقتصادی و اجتماعی به شکل‌گیری سپهر رسانه‌ای جدیدی دامن می‌زند پرداخته شود. بررسی سیاست‌های ارتباطی جمهوری اسلامی ایران در قبال بخش مستقیم ماهواره‌ای و تحولاتی که از آنها نام برده شد موضوع دیگری است که همراه با نتیجه‌گیری، پایان بخش این نوشته خواهد بود.

### معرفی و نفوذ پخش مستقیم ماهواره‌ای در جامعه‌ی ایران

از نیمه‌ی دوم سال ۱۳۷۰ شایعاتی دال بر امکان تماشای برنامه‌های شبکه‌های تلویزیونی خارجی در سطح جامعه به گوش می‌رسید، اما بجز معدود افرادی که به تجهیزات مناسب برای دریافت تصاویر این قبیل تلویزیون‌ها دسترسی پیدا کرده بودند کمتر کسی این شایعات را جدی می‌گرفت. در عین حال جماعت بی‌خبرِ قلبی نیز غافل از اینکه برای تماشای برنامه‌های این قسم تلویزیون‌ها به غیر از آنتن، که البته نوع آن هم باید متفاوت باشد، باید از تجهیزات دیگری نظیر ال.ان.بی<sup>۱</sup> و رسیور<sup>۲</sup> نیز برخوردار بود، با نصب اشیایی مانند در قابلمه و یا افزودن پره‌های بیشتری به گیرنده‌های معمولی خود، تلاش بیهوده و ناموفقی بخرج می‌دادند تا شاید چشمان خود را میزبان تصاویر «برفکی» و تازی بنمایند که به زعم آنها از فراسوی مرزها می‌آمد. این وضع همچنان ادامه داشت تا اینکه در پاییز و زمستان سال ۱۳۷۲ شرایط به یکباره دگرگون شد و دیری نپایید که پشت بام‌های تهران و برخی شهرهای بزرگ دیگر اشیاء عجیب و غریبی را که بی‌شبهت به سپرهای جنگی روزگاران گذشته نبود و «دیش ماهواره‌ای» نامیده می‌شد در خود جای داد. با نصب این قبیل گیرنده‌ها، از اوایل فروردین ماه ۱۳۷۳ (روزنامه کیهان، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۷۳) ماهواره<sup>۳</sup> و پخش مستقیم ماهواره‌ای<sup>۴</sup> به یکی از کانونی‌ترین موضوعات مورد توجه - اگر نگوییم جامعه‌ی ایران - اهالی تهران تبدیل شد. به این ترتیب پایتخت و بعضی شهرهای بزرگ، یعنی مراکزی که بیشترین آنتن‌های ماهواره‌ای در آنجا نصب شده بود خود را در معرض سیگنال‌های ده‌ها شبکه‌ی پخش خارجی یافتند.

تخمین تعداد دیش‌های دریافت تصاویر ماهواره‌ای در روزهای آغازین آن در کشور بسیار مشکل است. در تهران این تخمین برای دوره‌ای که از پائیز ۱۳۷۲ شروع و تا اواسط بهار ۱۳۷۳ به درازا می‌کشد از ۲۰۰۰۰۰۰ (روزنامه جمهوری اسلامی، ۶ مرداد ۱۳۷۳) تا ۳۰۰۰۰۰۰ (مجله گزارش هفته، ۲۷ فروردین ۱۳۷۳؛ روزنامه سلام، ۵ اردیبهشت ۱۳۷۳) در نوسان بوده است. همچنین طبق گزارش مطبوعات براساس یک نمونه‌گیری تصادفی که

1. LNB

2. Receiver

3. satellite

4. Direct Broadcasting Satellite (DBS)

ظاهراً توسط وزارت کشور انجام شد از ۳۰ هزار دیش ماهواره‌ای نصب شده بر روی پشت بام‌های تهران عکسبرداری هوایی شده بود<sup>۱</sup> (هفته‌نامه بهار، ۲ اسفند ۱۳۷۵). به نوشته‌ی هفته‌نامه‌ی بهار (همان) این تعداد دیش عکسبرداری شده عمدتاً به ۶ ماهی مربوط می‌شود که از اواخر آذر ۱۳۷۲ شروع و به خرداد ۱۳۷۳ خاتمه می‌یابد. در همین ایام روزنامه‌ی کیهان از قول منابع غیررسمی اعلام می‌کند که روزانه ۴۰۰ دستگاه دیش ماهواره‌ای در تهران نصب می‌شود (روزنامه کیهان، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۷۳).

مطالب فوق در واقع چکیده‌ی تحولاتی بودند که از آنها می‌توان تحت عنوان چگونگی معرفی و نفوذ بخش مستقیم ماهواره‌ای در جامعه‌ی ایران یاد کرد. سئوالی که بلافاصله مطرح می‌شود و باید به آن پاسخ گفت این است که دلایل این استقبال چه بود؟

هرچند تمام نواحی شهر تهران به نوعی با این تحول درگیر شدند و بنابراین باید به دنبال دلایل این توجه عمومی بود، ولی از آنجا که بیشترین آنتن‌ها در مناطق شمال، شمال غرب و شمال شرق تهران نصب شده بودند، براساس بافت طبقاتی شهر تهران، می‌توان گفت که علی‌الظاهر تب ماهواره بین اقدار بالا و متوسط بیشتر بالا گرفته بود. بنابراین باید به دلایلی که به ذائقه‌ی لایه‌های مختلف اجتماعی مربوط می‌شود نیز پرداخته شود. براساس چنین پنداشتی می‌توان به یک‌سری دلایل عام و اگر بتوان گفت فراطبقاتی و دلایلی که رفتار گروه‌ها و اقدار خاص را توضیح می‌دهند اشاره نمود.

در زمره‌ی دلایل عام، در وهله‌ی اول می‌توان به بردباری دولت وقت در روزهای آغازین اشاره نمود. از همان ابتدا نوعی همبستگی بین عرضه و تقاضای این قبیل تجهیزات و واکنش دولت شکل گرفته بود. خرید و نصب که به آهستگی و احتیاط شروع شد به علت عدم ارسال هرگونه علامت بازدارنده از سوی دولت تشدید شد و ادامه یافت. همزمانی این تحول با زمره‌های آزادسازی فعالیت‌های مرتبط با ویدیو که نهایتاً در زمستان ۱۳۷۲ به وقوع پیوست این شبهه را دامن می‌زد که دسترسی به تلویزیون‌های ماهواره‌ای خارجی هم مشمول این حکم خواهد شد. غافل از اینکه آزادسازی فعالیت‌های مرتبط با ویدیو تلاشی

---

۱. البته هفته‌نامه بهار اشاره‌ای به نام وزارت کشور به عنوان مجری این طرح نکرده است، اما روزنامه ابرار ۲۴ اسفند ۱۳۷۳ سخنان وزیر کشور را منعکس کرده است که می‌گوید: «از دیش‌های ماهواره‌ای عکسبرداری هوایی شد.» برای آگاهی بیشتر در این خصوص به ابرار ۱۲ و ۲۳ خردادماه ۱۳۷۳ رجوع کنید.

بود در جهت بازداشتن مردم از روی آوردن به برنامه‌های تلویزیون‌های خارجی<sup>۱</sup> (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۹ خرداد ۱۳۷۳). در مرتبه‌ی دوم باید به قیمت نسبتاً ارزان این تجهیزات اشاره کرد. در آن ایام با توجه به افت و خیزهای بازار یک مجموعه از این تجهیزات مرکب از دیش، ال.ان.بی و رسیور با قیمت زیر ۲۰۰ هزار تومان دست یافتنی بود. حتی در بعضی مجتمع‌های مسکونی که از این تجهیزات استفاده می‌کردند گاهی حق اشتراک تا زیر ۲۰ هزار تومان تقلیل می‌یافت. کیفیت ضعیف برنامه‌های صدا و سیما (روزنامه کیهان، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۷۳) و خصوصاً سهم کم برنامه‌های سرگرم‌کننده این رسانه‌ها از مجموع برنامه‌های روی آنتن و ضعف کلی صنعت تفریحات و اوقات فراغت کشور از جمله عوامل روی آوردن برخی از شهروندان، صرفنظر از ذائقه‌ی طبقاتی آنها، به برنامه‌های ماهواره‌های پخش مستقیم بودند.<sup>۲</sup>

در مقابل، تمایل به تماشای برنامه‌های تلویزیون‌های خارجی در بین اقشار بالا و متوسط شهر تهران را می‌توان به عوامل زیر منتسب کرد: ۱. نوعی احساس جدایی یا انقطاع ارتباطی با جهان خارج؛ ۲. دسترسی به توزیع کابلی شبکه‌های خارجی در مجتمع‌های مسکونی با توجه به تمامی مزایای آن از جمله قیمت ارزان و اتصال آسان‌تر<sup>۳</sup>. وجود نقدینگی در دست این اقشار و بالاخره؛ ۴. اهمیت بیشتر اوقات فراغت برای این گروه‌ها و تلاش برای پر کردن آن. ورای هر دسته از این علل و عوامل همان‌طور که روزنامه‌ی جهان اسلام (روزنامه جهان اسلام، ۳۰ تیر ۱۳۷۳) می‌نویسد: استقبال از برنامه‌های پخش مستقیم ماهواره‌ای عمدتاً به تازه بودن این پدیده مربوط می‌شد. چنانچه به این اظهار نظر جهان اسلام تنوع برنامه‌های شبکه‌های خارجی را نیز اضافه نماییم خواهیم دید که تازگی در کنار تنوع تا چه اندازه می‌توانسته است و سوسه‌انگیز باشد.

به این ترتیب در حالی که دهه‌ی ۱۳۶۰ با مسأله و حتی بحران ویدیو آغاز و به پایان رسید،

۱. البته روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۱۹ خرداد ۱۳۷۳، آزادسازی «ویدیو [را] جاده صاف کن ماهواره» تلقی می‌کند.

۲. در روزنامه کیهان مورخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۷۳ یک استاد دانشگاه در رشته‌ی ارتباطات جمعی درباره‌ی «علت اصلی گرایش مردم به ماهواره‌ها» می‌گوید: «پاسخ بنده این است که بیشتر از آنکه چیزی آنها را جلب کند، چیز دیگری آنها را دفع می‌کند و آن هم برنامه‌های تلویزیون خودمان است.

دهه‌ی ۱۳۷۰ با در دسرهای ماهواره آغاز و دسترسی یا عدم دسترسی به برنامه‌های ماهواره‌های پخش مستقیم به یک مسأله‌ی جدی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تبدیل شد. در واقع نکته این بود که برای اولین بار در طول تاریخ، مرزهای فرهنگی جوامع، از جمله جامعه‌ی ایران، به روی پیام‌های مصوری که مستقیماً از فراسوی مرزهای جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی می‌آمدند باز می‌شد. این حادثه‌ای بود برخلاف روال‌های تدریجی و متعارف تعامل فرهنگی که عمری به قدمت تشکیل اولین اجتماعات انسانی و ایجاد انواع مرادوات بین آنها داشت و در نتیجه واکنش‌های مختلف و متضادی را برمی‌انگیخت که پس از معرفی ماهواره‌های پخش مستقیم و شبکه‌هایی که از طریق این ماهواره‌ها برنامه پخش می‌کردند به این واکنش‌ها خواهیم پرداخت.

در آوریل ۱۹۹۰ میلادی (اوایل ۱۳۶۹ ه‍.ش) با پرتاب اولین ماهواره‌ی آسیایی<sup>۱</sup>، بخش اعظم قاره‌ی آسیا زیر پوشش شبکه استارتی‌وی<sup>۲</sup> که ۱۲ ترانسپاندر از این ماهواره را اجاره کرده بود قرار گرفت. این شبکه با مجوزی که از حکومت وقت هنگ‌کنگ گرفته بود از سال ۱۹۹۱ پخش برنامه‌های خود را آغاز کرد. در آن ایام (۱۳۷۰ ه‍.ش) دریافت تصاویر استارتی‌وی در ایران با گیرنده‌های با قطر کمتر از سه متر امکان‌پذیر نبود ولی از سال ۱۹۹۳ (۱۳۷۲ ه‍.ش) برنامه‌های استارتی‌وی با گیرنده‌های با قطر ۱/۸ متر قابل دریافت شدند. بتدریج قطر دیش‌های مورد نیاز برای دسترسی به این شبکه‌ها تقلیل یافت تا به قطر ۹۰ و حتی ۶۰ سانتیمتر رسیدند. از آنجا که رابطه‌ی مستقیمی بین قطر دیش، قدرت ترانسپاندرها و حوزه‌ی پخش آنها وجود دارد، تقلیل قطر دیش‌های دریافت کننده در کشور به معنی آن بود که اولاً بر قدرت ترانسپاندرها افزوده شده است و ثانیاً کشور ما در نقاط کانونی‌تر حوزه پخش<sup>۳</sup> این ماهواره‌ها قرار گرفته است.

پس از AsiaSat1، از سال ۱۹۹۲ ماهواره‌های ArabSat<sup>C1</sup>، ArabSat<sup>D2</sup>، Pan، TurkSat، AmSat و دیگر ماهواره‌ها با قدرت پخش مستقیم یکی پس از دیگری پرتاب و راه‌اندازی شدند. هر یک از این ماهواره‌ها تعداد زیادی شبکه‌ی تلویزیونی را سرویس می‌دادند، از جمله ArabSat<sup>C1</sup> ۱۶ کانال و ArabSat<sup>D2</sup> ۱۰ کانال را در خود جای داده بودند. این ماهواره‌ها در مجموع قادر بودند ده‌ها و حتی صدها کانال تلویزیونی را سرویس بدهند،

چنان که در آن زمان بیش از یک صد کانال آن در کشور ما قابل دریافت بود. روزنامه‌ی اطلاعات (روزنامه اطلاعات، چاپ لندن، ۲۹ فروردین ۱۳۷۳) به نقل از قائم مقام وقت صدا و سیما تعداد کانال‌هایی را که در اوایل سال ۱۳۷۳ بر روی کشور برنامه پخش می‌کردند ۱۶۰ کانال اعلام می‌کند. این تحولات به معنی آن بود که دستگاه رادیو و تلویزیون کشور با حریفان مجهز و کار کشته‌ای روبرو شده بود که می‌بایست خود را برای رقابت با آنها آماده می‌کرد. البته نباید از نظر دور داشت که صرف‌نظر از پخش مستقیم ماهواره‌ای، پخش ماهواره‌ای سابقه‌ای چند دهه‌ای دارد و ایران را می‌توان یکی از پیشگامان پخش ماهواره‌ای در آسیا دانست. کشور ما در سال ۱۹۶۹ میلادی به عضویت INTELSAT درآمد و از سال ۱۹۷۰ عملاً از امکانات ماهواره‌ای برای پخش تلویزیونی و ارتباطات راه دور استفاده می‌کرد (سربرنی محمدی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴).

سابقه‌ی پخش ماهواره‌ای در اصل به دهه‌ی ۱۹۶۰ برمی‌گردد، با این تفاوت که در آن زمان تلویزیون ماهواره‌ای به ایستگاه‌های زمینی عظیم، قدرتمند و گران‌قیمتی نیاز داشت تا بتواند به ارسال و دریافت سیگنال‌های صوتی و تصویری پردازد (گانلی و گانلی<sup>۲</sup>، ۱۹۸۹). بعلاوه چون در آن زمان ماهواره‌ها به مدار ثابت زمین<sup>۳</sup> پرتاب نمی‌شدند لذا تصاویر ارسالی آنها فقط برای چند ساعت در شبانه روز قابل دریافت بود (کالینز<sup>۴</sup>، ۱۹۹۰). این نوع ماهواره‌ها که می‌توان آنها را اولین نسل ماهواره‌های پخش محسوب نمود به ماهواره‌های Point-to-Point مشهور بودند. یعنی تنها موظف به انتقال سیگنال‌ها بین دو ایستگاه (فرستنده و گیرنده) زمینی بودند که در نقاط ثابتی قرار داشتند. ایستگاه دریافت‌کننده‌ی زمینی وظیفه داشت که سیگنال‌ها را از طریق هوا و یا کابل به گیرنده‌های خانگی برساند. این شکل از پخش در فرهنگ اصطلاحات «اتحادیه‌ی ارتباطات راه دور بین‌المللی»<sup>۵</sup> به خدمات ماهواره‌ای ثابت (FSS)<sup>۶</sup> شهرت دارد (فیشر<sup>۷</sup>، ۱۹۹۰). متعاقباً وقتی ثابت شد که با پرتاب ماهواره‌های قدرتمند به مدار ثابت زمین می‌توان برنامه‌های تلویزیونی را مستقیماً بر روی

1. Sreberny-Mohammadi &amp; Mohammadi

2. Ganley &amp; Ganley

3. geostationary orbit 4. Collins

5. ITU (The International Telecommunication Union)

6. Fixed Satellite service

7. Fisher

گیرنده‌های خانگی ارسال کرد توجه جهانی به این پدیده‌ی نوظهور جلب شد، چرا که پخش مستقیم و با کیفیت بالای برنامه‌های تلویزیونی یک کشور برای تماشاچیان کشورهای دیگر، بدون آنکه امکان عملی کنترل این برنامه‌ها برای کشور میزبان وجود داشته باشد نمی‌توانست حساسیت برانگیز نباشد. این حقیقت که پخش مستقیم ماهواره‌ای به ایستگاه‌های واسطه‌ی توزیع کننده یا تقویت کننده‌ی زمینی برای دسترسی به مخاطبان نیاز ندارد، به معنی آن بود که ابزار فنی‌ای که تا آن زمان دولت‌ها با استفاده از آنها از برنامه‌های ناخواسته ارسالی از سوی کشورهای دیگر جلوگیری می‌کردند دیگر نقش چندانی ندارد. با امکانپذیری پخش مستقیم همچنین مشخص شد که از نظر فناوری نیز مشکل است که بتوان در مسیر پخش مستقیم ایجاد اختلال نمود، حتی اگر از نظر مقررات بین‌المللی معنی وجود نداشته باشد. همین‌طور به‌نظر بسیاری از کارشناسان اقداماتی که از طریق موانع قانونی در برخی جوامع برای رویارویی با این پدیده پیشنهاد می‌شد و یا حتی صورت عملی به خود می‌گرفت، بدون بسترسازی‌های لازم توفیق چندانی نمی‌توانست داشته باشد. مقررات بین‌المللی برای بازداشتن یک کشور از ارسال برنامه به درون کشور یا کشورهای دیگر نیز یا قدیمی و ناظر بر پخش رادیویی بودند و یا حتی اگر هم جدید و مرتبط با موضوع بودند مانند مقرراتی که در نشست‌های <sup>۱</sup>ITU, WARC SAT, WARC تصویب می‌شوند تحت نفوذ قدرت‌های حامی این نوع پخش عملاً اجرا نمی‌شدند.

با امکانپذیر شدن پخش مستقیم ماهواره‌ای و معرفی آن به جامعه‌ی ایران تفاوت‌های این شیوه‌ی پخش و پخش متعارف ماهواره‌ای<sup>۲</sup> هویدا شد. لذا از نقطه نظر کسانی که به دنبال تنوع برنامه‌های تلویزیونی و قدرت انتخاب بیشتر و یا ارتباط فعال‌تری با دنیای خارج بودند این تفاوت‌ها به منزله‌ی تصادفی مسرت بخش تلقی شد در حالی که از دیدگاه حکومت و آن دسته از جریان‌ها و گروه‌های اجتماعی که نسبت به ارزش‌های قومی، ملی و مذهبی خود دلبستگی و حساسیت به خرج می‌دادند این واقعه عاملی نگران کننده، فاجعه‌ای فرهنگی و حتی عاملی برای «برباد دادن دنیا» (روزنامه ابرار ۹ مرداد، ۱۳۷۳) به حساب آمد. خصوصاً برای حکومتی مذهبی که سال‌ها پخش اعظم مظاهر فرهنگی غرب را به باد انتقاد گرفته و

1. The Word Administration Radio Conference

2. SATV

و جوه اشتراک بسیار کمی بین شیوه‌های زندگی اسلامی و ارزش‌های غربی قایل بود و حال می‌دید که چگونه این ارزش‌ها بدون هیچگونه مانع و رادعی از طریق کانال‌های تلویزیونی وارد قلمرواش می‌شود، این تحولات گران می‌آمد و بعید می‌نمود که پذیرای آن باشد. در عین حال نباید گروه یا دیدگاه سومی را هم که پیرامون موضوع پخش مستقیم شکل گرفته بود از قلم انداخت. این دیدگاه بیش از آنکه مجذوب تنوع برنامه‌های تلویزیون‌های ماهواره‌ای و یا نگران جنبه‌های منفی و مخرب آنها باشد به پدیده‌ی مورد نظر به‌عنوان یک دستاورد علمی - فناوریانه، با تمامی معایب و مزایای آن می‌نگریست. این دیدگاه بیش از آن که بر خوردی ستیزه‌جویانه با آن داشته باشد، بر خوردی پذیرا و در عین حال منتقدانه را ترجیح می‌داد و بیش از آن که ببیند پخش مستقیم با ما چه خواهد کرد در این اندیشه بود که ما با پخش مستقیم چه خواهیم کرد و چگونه از آن در راستای منافع ملی و انتقال پیام‌ها و ارزش‌های خود بهره خواهیم گرفت. و بالاخره همان‌گونه که به برنامه‌های ضد فرهنگی و ضد ارزشی برخی شبکه‌های فعال اندیشه می‌کرد به مضامین علمی و فرهنگی آنها توجه می‌کرد و این واقعیت که این حامل ارتباطی خواهد توانست در پیچه‌های جدیدی بر روی جوامع برای تعامل فرهنگی و آشنایی بیشتر با شیوه‌های زندگی یکدیگر باز کند (روزنامه اطلاعات ۲۷ اردیبهشت و ۲ خرداد ۱۳۷۳؛ روزنامه ابرار ۲۸ فروردین و ۱ اردیبهشت ۱۳۷۳؛ هفته‌نامه سینما ۱۴ اردیبهشت ۱۳۷۳ شماره ۱۰۶). به هر تقدیر پخش مستقیم ماهواره‌ای همه‌ی این جریان‌ها را غافلگیر کرده بود و البته از همه بیشتر دولت‌مردان و حکومت را. شاید به دلیل همین غافلگیری بود که در ابتدای کار ترجیح داده شد که سیاست صبر و شکیبایی پیشه شود. همان‌طور که گفته شد سکوت محافل رسمی در قبال رواج نصب آنتن‌های ماهواره‌ای به منزله‌ی موافقت تلقی شد و استفاده کنندگان خرسند از شرایط به وجود آمده به داد و ستد این تجهیزات و نصب و بهره‌برداری مشغول شدند. در همین فاصله برخی تولیدکنندگان یا در واقع مونتاژکنندگان داخلی نیز با بهره‌برداری از فرصت به وجود آمده و وفور مواد و لوازم اولیه، تولید دیش و مونتاژ ریسور را آغاز کرده بودند (ماهنامه گزارش اردیبهشت ۱۳۷۳؛ روزنامه‌های جهان اسلام و رسالت ۵ دی ماه ۱۳۷۳). در اواسط فروردین (۱۳۷۳) وزیر کشور وقت، علی محمد بشارتی، به صراحت و حتی به تندی به دارندگان تجهیزات دریافت تصاویر ماهواره‌ای اخطار کرد. این اخطار به معنی آن بود که دوره‌ی صبر و شکیبایی بسر آمده است. او در این مصاحبه گفته بود «در سال جدید (۱۳۷۳) با کسانی که از این آنتن‌های



پخش مستقیم ماهواره‌ای، پیامدها و سیاست‌ها □ ۹۱

غیر قانونی استفاده می‌کنند برخوردار خواهیم کرد و اجازه نخواهیم داد که فرهنگ اسلامی ما با این ماهواره‌ها که سمبل بی‌نظمی و تبلیغ ارزش‌های ضد فرهنگی است آلوده و مخدوش شود (روزنامه کیهان ۱۶ فروردین و ۲۱ اردیبهشت ۱۳۷۳). اظهارات بشارتی و اخطار وی را از این منظر که موضوع پخش مستقیم ماهواره‌ای را از محافل غیررسمی و خصوصی به محافل رسمی و آزاد، از جمله مطبوعات، رادیو و تلویزیون، مجلس، دستگاه قضایی، نماز جمعه و نظایر آن کشاند می‌توان یک نقطه‌ی عطف در تحولات مربوط به این پدیده در ایران به‌شمار آورد. بعلاوه او را می‌توان اولین کسی دانست که رسماً در برابر پارادایم ارتباطی - اطلاعاتی جدید موضع می‌گرفت. اظهارات وی همچنین سرآغاز بحث‌های بی‌وقفه‌ای شد که تا زمان تصویب قانون منع استفاده از تجهیزات ماهواره‌ای در ۲۶ بهمن ۱۳۷۳ ادامه یافت. اکثر روزنامه‌ها با انتشار مصاحبه‌ها، درج مقالات، کاریکاتور و نقطه نظرات مردم، اعم از موافق یا مخالف، که از طریق تماس‌های تلفنی یا مکاتبه صورت می‌گرفت موضوع را دنبال می‌کردند. کمتر دولتمرد و یا کارشناسی پیدا می‌شد که درباره‌ی ماهواره اظهار نظر نکرده باشد. این مطالب رو بهم رفته به خلق حجم عظیمی از ادبیات ارتباطات و ارتباطات جمعی انجامید که در تاریخ این رشته‌ها در ایران نظیر ندارد.

بخش قابل توجهی از این ادبیات را گفتمان‌هایی<sup>۱</sup> تشکیل می‌دهند که می‌توان آن‌ها را به گفتمان‌های عامه<sup>۲</sup>، گفتمان‌های دولتمردان، گفتمان‌های علمای مذهبی و گفتمان‌های کارشناسان علوم جدید طبقه‌بندی کرد. هر یک از این گفتمان‌ها را با توجه به موضوعات و عناوینی که بیشترین توجه را به خود جلب کرده‌اند می‌توان به ترتیب زیر طبقه‌بندی کرد: ۱. موضوع فناوری‌های جدید ارتباطی و تحول مستمر آنها؛ ۲. موضوع اثر<sup>۳</sup> برنامه‌های شبکه‌های خارجی بر مخاطبان؛ ۳. موضوع کارآیی یا عدم کارآیی قانون منع استفاده از تجهیزات ماهواره‌ای؛ ۴. موضوع عملکرد صدا و سیما.

### پیامدها

تا اینجا بیشتر به شرح چگونگی معرفی پخش مستقیم ماهواره‌ای و نفوذ آن به جامعه‌ی ایران و واکنش‌های اولیه در قبال آن پرداخته‌ایم. در ادامه‌ی بحث کوشش خواهد شد تا

پیامدهای پخش مستقیم ماهواره‌ای یا اساساً سپهر رسانه‌ای جدیدی را که پخش مستقیم یکی از مولفه‌های آن است بازتاب دهیم.

ماهواره‌های پخش مستقیم با از میان برداشتن موانع پخش فرامرزی، برد و دامنه‌ی پخش را تا سطح جهانی گسترش داده‌اند. بعلاوه با افزایش روزافزون ترانسپاندرهای<sup>۱</sup> هر ماهواره این امکان برای گروه‌های مختلف اجتماعی فراهم آمده است تا شبکه‌هایی با هویت‌های فرهنگی، مذهبی، ورزشی، تجاری، زبانی، علمی و امثال آن ایجاد نمایند. این پدیده همراه با غنا بخشیدن به مفهوم «فورر رسانه‌ای»<sup>۲</sup> حجم عظیمی از سرمایه را خصوصاً به وسیله‌ی شرکت‌های معظم بین‌المللی انحصاری و ملغمه‌ای<sup>۳</sup> وارد چرخه‌ی تحقیق، تولید و توزیع یا پخش کرده است که خود حایز تبعات چندی است. از جمله پخش را به صنعت و تجارت پرسودی تبدیل کرده است که دیگر ارزش‌های فرهنگی و سیاسی تنها انگیزه‌های آن محسوب نمی‌شوند، بلکه انگیزه‌های قوی اقتصادی و نهایتاً سود روز به روز در آن برجستگی بیشتری می‌یابند. شاید بتوان مطالباتی مانند تقاضا برای «محدودیت زدایی»<sup>۴</sup> و خصوصی‌سازی را مستقیماً به همین روند منتسب نمود. هر چند مخاطبان شبکه‌های تلویزیونی، خصوصاً شبکه‌های دولتی، نیز مطالباتی مانند محدودیت زدایی را دنبال می‌کنند، زیرا مشاهده می‌کنند که این شبکه‌ها علیرغم تأمین هزینه‌های خود از بودجه‌ی عمومی به کانال‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی یک طرفه‌ای تبدیل شده‌اند که نظر آنها را تأمین نمی‌کند.

پخش مستقیم ماهواره‌ای به میزان زیادی قدرت انتخاب مخاطبان را بالا برده است. آنها می‌توانند برنامه‌های مورد علاقه یا اطلاعات مورد نیاز خود را از شبکه یا شبکه‌هایی که ترجیح می‌دهند دریافت نمایند. در مقابل برای این شبکه‌ها نیز این امکان به وجود آمده است که مخاطبان خود را گزینش کنند؛ پدیده‌ای که از آن تحت عنوان «تفکیک مخاطب»<sup>۵</sup> یاد می‌شود. آنها این مخاطبان را که می‌توانند جوانان، یک گروه قومی، یک فرقه مذهبی، علاقه‌مندان به ورزش، موسیقی، و یا مصرف‌کنندگان کالاها و خدمات خاصی باشند از میان انبوه مخاطبان غربال کرده و پیام‌های متناسب با نیاز آنها را تهیه و پخش کنند.

1. transponders

2. media abundance

3. conglomerate

4. deregatation

5. audience segmentation

تاکنون رادیو و تلویزیون، علیرغم آن که در یک جامعه‌ی باز مانند کتاب و مطبوعات در خدمت مردم هستند، در مجموع از آزادی کمتری در مقایسه با کتاب و روزنامه برخوردار بوده‌اند. در شرایط حاضر با برداشته شدن موانع پخش و به مدد فراوانی رسانه‌های الکترونیک، روند دسترسی به این رسانه‌ها نیز صورت بهتری به خود می‌گیرد و پخش نیز مانند کتاب و روزنامه به صورت یک بنگاه عمومی یا تجاری در می‌آید و در نتیجه، کنترل سیاسی بازاری بر آن اعمال شود. تنوع وسایل جدید توزیع برنامه‌های تصویری از جمله پخش مستقیم ماهواره‌ای، پخش کابلی و پخش از طریق اینترنت قطعاً تعریف روشن‌تری از میزان آزادی سیاسی این رسانه‌ها به دست خواهد داد. نقطه‌ی ثقل استدلال برای افزایش رهایی از کنترل این رسانه‌ها احتمالاً از این امر نشأت می‌گیرد که برخلاف گذشته رسانه‌های مذکور توده‌ی وسیعی از مردم را مخاطب قرار نمی‌دهند. آنها به رسانه‌هایی معمولی با تحریریه‌ی مستقل تبدیل خواهند شد (مک‌کوایل<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴ (الف)). در عین حال مسایلی نظیر نیاز به مقررات هنوز به قوت خود باقی خواهد ماند ولی نه لزوماً به منظور کنترل محتوا، بلکه بیشتر به دلایل فنی و برای فایق آمدن بر مشکلاتی نظیر استفاده‌ی نامطلوب از قدرت انحصاری. مجموعه‌ی این تحولات علیرغم فرصت‌های جدید و زیادی که برای نظام پخش ملی فراهم کرده قدرت مانور آنرا در حوزه‌ی سیاستگذاری تا حدود زیادی کاهش داده است (مک‌کوایل، ۱۹۹۴ (ب)). این که پس از معرفی و نضج پخش مستقیم و جهانی شدن آن شاهد ترمیم، تقویت و گسترش نظام پخش بسیاری از کشورها چه در بخش دولتی و چه در بخش عمومی و یا خصوصی هستیم خبر از تأثیرپذیری نظام سیاستگذاری ملی پخش می‌دهد. به همین ترتیب ورود جدی شبکه‌های ملی و دولتی به عرصه‌ی رقابت، موضوعی کردن شبکه‌ها، تدارک و عملیاتی کردن پخش فرامرزی و جهانی و تمهیداتی از این دست همه و همه حکایت از انعطاف دستگاه‌های پخش کشورهای مختلف دارند در برابر تحولاتی نظیر آنچه که در بالا به آنها اشاره شد. اما سؤال این است که آیا این اقدامات که عمدتاً به منظور کاهش نقش و نفوذ تلویزیون‌های ماهواره‌ای خارجی صورت می‌گیرند به نتیجه خواهند رسید و خواهند توانست مخاطبان شبکه‌های ملی و دولتی را برای آنها نگهدارند یا خیر؟ آنچه مسلم است این اقدامات به جلوگیری از ریزش مخاطبان شبکه‌های داخلی کمک

خواهند کرد اما به‌طور قطع کارآیی آنها منوط خواهد بود به این که این شبکه‌ها برای پاسخ به ذائقه‌ی سالم مخاطبان، به‌عنوان تعیین‌کننده‌ترین عنصر تداوم فعالیت یک نظام پخش، تاجه میزان برنامه‌های خود را تغییر خواهند داد.

### سیاست‌های ارتباطی جمهوری اسلامی ایران در مقابل پخش مستقیم ماهواره‌ای

همان‌گونه که انتظار می‌رفت دستگاه‌های سیاستگذاری نظام ارتباطات جمعی و پخش کشور ما نیز بتدریج و پس از جمع‌بندی‌های اولیه نحوه‌ی برخورد با مسأله‌ی پخش مستقیم ماهواره‌ای را در دستور کار قرار دادند. در این زمینه دو گرایش عمده در حوزه‌ی سیاستگذاری شکل گرفت. گرایشی که ترجیح می‌داد کار ماهواره را به خود مردم واگذارد و با تقویت منابع داخلی و تکیه بر مزیت‌های نسبی فرهنگی، زبانی، ملی و مذهبی، دستگاه پخش ملی و سایر منابع رسانه‌ای را در مقابل پخش خارجی تجهیز نماید (روزنامه جهان اسلام، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۷۳؛ روزنامه ابرار ۲۹ فروردین و ۱ اردیبهشت ۱۳۷۳). و دیدگاهی که به این نتیجه رسیده بود که در اولین گام می‌بایست ارتباط مخاطبان داخلی را با منابع پخش خارجی مسدود نمود و آنگاه با استفاده از فرصت به‌دست آمده به تدوین استراتژی‌های کلان و جامع پرداخت (روزنامه رسالت، ۱۳ و ۱۵ اردیبهشت ۱۳۷۳).

با توجه به دست بالا داشتن دیدگاه دوم در مجموعه‌ی نظام جمهوری اسلامی، در نهایت "کمیسیون فرهنگ و ارشاد اسلامی" مجلس چهارم عهده‌دار ارایه‌ی طرحی در مورد چگونگی برخورد با مسأله‌ی پخش مستقیم ماهواره‌ای شد. این طرح که تحت تأثیر فضای اولیه در برابر پخش مستقیم، مضمون و ماهیتی بیشتر مقابله‌جویانه و بازدارنده داشت تا پذیرا و منتقد، تقریباً تمامی گزینه‌های مطرح در این زمینه را نادیده گرفت و با عنوان «طرح ممنوعیت استفاده از تجهیزات ماهواره‌ای» تسلیم مجلس شد که پس از ۹ ماه به صورت قانون درآمد. در عین حال گزینه‌ها و استراتژی‌های تکمیلی نیز متعاقباً مورد توجه تشکیلات صدا و سیما و نهاد سیاستگذاری آن واقع شدند و با ویژگی‌های خاصی به مرحله اجرا در آمدند که در ادامه بحث خواهند شد.

به‌طور کلی چنانچه بخواهیم در طرح سیاست‌های اتخاذ شده در برابر پخش مستقیم ماهواره‌ای، نوعی ترتیب زمانی را رعایت کنیم می‌توانیم تلاش برای آشنا کردن مردم با پیامدهای برنامه‌های تلویزیون‌های ماهواره‌ای را به‌عنوان اولین استراتژی دستگاه‌های

تصمیم‌گیر در این زمینه به حساب آوریم. این استراتژی نانوخته که از گفتمان تهاجم فرهنگی (روزنامه جمهوری اسلامی، ۳۰ فروردین ۱۳۷۳) به‌عنوان بر نهاد جهانی شدن و خصوصاً جهانی شدن ارتباطات مایه می‌گرفت و تلاش می‌کرد که از طریق وسایل ارتباط جمعی، خصوصاً مطبوعات، پیامدهای برنامه‌های ناخواسته تلویزیون‌های ماهواره‌ای را برای مردم روشن کند، می‌توانست نتایج خوبی به بار آورد و مردم را از تحولات رسانه‌ای - فرهنگی جدی، البته با طرح هر دو جنبه‌ی مثبت و منفی آن، آگاه کند. ولی به‌علت افراط در طرح جنبه‌های منفی پخش مستقیم و امتزاج این نگرش با نگرش‌های ملهم از تئوری توطئه در مجموع نتوانست به دستاورد قابل ملاحظه‌ای نایل آید. معهداً این تلاش از آن جهت که به‌طور غیر مستقیم زمینه را برای برخورد آراء در سطح جامعه فراهم کرد و به چالش موافقان و مخالفان پخش مستقیم دامن زد نقش قابل توجهی ایفاء نمود و در ادامه حتی زمینه‌ی بحث را به حیطه‌ی وسیع‌تری مانند علل کشش برخی شهر و ندان به سوی برنامه‌های برون‌مرزی کشاند.

دومین و اصلی‌ترین رکن سیاست‌های مرتبط با پخش مستقیم ماهواره‌ای کشورمان را می‌توان وضع "قانون منع استفاده از تجهیزات دریافت تصاویر ماهواره‌ای" به حساب آورد. اساساً از همان روزهای نخست، این گزینه مورد توجه مخالفان پخش مستقیم شبکه‌های خارجی، خصوصاً گروه قابل توجهی از نمایندگان مجلس چهارم بود. اما نکته این بود که کارآیی یک چنین قانون بازدارنده‌ای به دلایل مختلف حتی مورد تردید این دسته از نمایندگان بود. آنها بخصوص متوجه این نکته بودند که قوانینی از این دست تنها می‌تواند سرعت دسترسی را کنترل نماید بدون آن‌که قادر به کنترل کامل آن باشد. این تردید به دو عامل برمی‌گشت. نخست تغییر بی‌وقفه در فناوری‌های ارتباطی و خصوصاً شایعات گسترده‌ای که درباره‌ی آنتن‌های جدیدی مانند آنتن‌های سیار<sup>۱</sup> (مجله گزارش فیلم، اردیبهشت ۱۳۷۳، شماره ۵۱)، آنتن‌های پرده‌ای (روزنامه ابرار، ۳۰ فروردین ۱۳۷۳)، آنتن‌های سرخود<sup>۲</sup> و ... رواج داشت. دوم مشکل اعمال قانون و تأخیر مکرر برای طرح این موضوع در مجلس بود. تأخیر در ارایه‌ی طرح و به درازا کشیدن کار تصویب آن علیرغم فوریت آن برای جریان‌های مخالف به روشنی از این تردید و عدم اطمینان حکایت می‌کند.

بعلاوه اکثریت قابل توجهی از اعضای کابینه وقت و بخش قابل توجهی از نمایندگان مجلس از این گزینه حمایت نمی‌کردند و بیشتر به سیاست‌های فرهنگی علاقه نشان می‌دادند. به هر صورت علیرغم تردیدها و برآوردهای حاکی از کم‌اثر بودن چنین سیاست‌هایی، «قانون منع استفاده...» با حداقل انتظارات به تصویب مجلس چهارم رسید. این مصوبه در مجموع و به نوعی اولاً بیانگر آن بود که در آن ایام راه‌حل جایگزین و عملی دیگری به نظر تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران نمی‌رسید که به واسطه‌ی آنها بتوان در کوتاه مدت جلوی سرعت نصب آنتن‌های ماهواره‌ای را گرفت و ثانیاً این استدلال و شاید این نیت تعقیب می‌شد که قانون می‌تواند زمان لازم را برای طراحی سیاست‌های جامع‌تر بخرد. در واقع آنچه در آن مقطع اهمیت زیادی داشت خلاص شدن از شرایط عدم اطمینان و بلا تکلیفی بود.

اگر کنترل سرعت انتشار آنتن‌های ماهواره‌ای را ملاک توفیق قانون منع استفاده قرار دهیم تا حدودی می‌توان وضع و اجرای این قانون را موفقیت‌آمیز ارزیابی کرد. بعلاوه و به راستی قانون مذکور توانست به شرایط و وضعیت تردید و عدم اطمینان مسئولین پایان دهد. اما مشکل بتوان ثابت کرد که این قانون بنحو مؤثری توانسته است راه‌های دسترسی را مسدود نماید. به همین ترتیب هیچ نشانه‌ای حاکی از این‌که دولت‌مردان و سیاست‌گذاران توانسته باشند از فرصت و پوششی که قانون برای آنها ایجاد کرده است استفاده نمایند و طرح جامعی برای حل ریشه‌ای مسأله تهیه کنند در دست نیست. دسترسی مخفیانه به کانال‌های ماهواره‌ای در سطح جامعه و بگیر و ببندهای پیرامون آن گواه عدم تحرک در این زمینه است.

گسترش شبکه‌های تلویزیونی مشتمل بر شبکه‌های محلی، ملی و بین‌المللی را می‌توان سومین رکن سیاست‌های مرتبط با پخش ماهواره‌ای و یکی از قابل دفاع‌ترین ارکان آن به حساب آورد. این رویکرد خود به سه تحول قابل توجه منجر شده که عبارتند از: ۱. افزایش تولید برنامه (صرفنظر از کیفیت آنها)؛ ۲. اجازه دادن به بخش خصوصی برای مشارکت در تولید برنامه (صرفنظر از کیفیت اجرای آن) و ۳. تلاش برای موضوعی کردن شبکه‌ها و تفکیک مخاطب (صرفنظر از مضمون و شیوه‌ی اجرای آن). اساساً هدف از افزایش شبکه‌ها حفظ مخاطبان داخلی در مقابل شبکه‌های خارجی بود. برای تحقق این خواست، صدا و سیما مجبور بود به‌طور همزمان افزایش تولید برنامه و اساساً توان تولید خود را در دستور کار قرار دهد، خصوصاً اینکه تهیه و خرید برنامه از خارج با توجه به نگرش حاکم پیرامون برنامه‌های ماهواره‌های خارجی به نوعی نقض غرض محسوب می‌شد. این عوامل موجب

شدند که این تشکیلات ضمن ترمیم و تقویت امکانات موجود خود از بخش خصوصی نیز برای مشارکت در تولید دعوت به عمل آورد. این گزینه که می‌توانست شروع مناسبی برای مشارکت هرچه بیشتر مردم در فعالیت‌هایی از این دست و حتی مشارکت آنان در پخش باشد به دلیل قوانین و مقررات جاری، توسعه‌ی چندانی نیافته است. موضوعی کردن شبکه‌های پخش و اختصاص هر شبکه به موضوعات کمابیش نزدیک و باب سلیقه‌ی افشار و گروه‌های اجتماعی معین اگر چه هنوز در اول راه است و بیشتر صوری است تا مضمونی ولی انتخاب درستی است مشروط بر آنکه صدا و سیما بتواند به‌طور جدی‌تری به این امر بپردازد و برنامه‌های هر شبکه را براساس ذائقه‌ی سالم و هنجارمند مخاطبان تعریف شده تهیه و پخش نماید، در غیر این صورت بعید به نظر می‌رسد که این سیاست به نتیجه‌ی قابل قبولی دست یابد.

چهارمین رکن سیاست‌های مرتبط با پخش ماهواره‌ای را می‌توان تدارک و عملیاتی کردن پخش جهانی دانست. حضور شبکه‌های جام‌جم و سحر و گسترش تدریجی پوشش آنها به اقصی نقاط گیتی اگر چه در بادی امر به منظور ارتباط با ایرانیان و دیگر فارسی‌زبانان خارج از کشور صورت گرفت ولی با تنوع زبانی ایجاد شده در شبکه‌ی سحر می‌توان گفت که تمایل جدیدی برای استفاده از تمامی مزیت‌های پخش مستقیم در حال شکل‌گیری است. درباره‌ی عملی کردن پخش جهانی بحث فراوان است، خصوصاً در شرایطی که هنوز تدبیر روشنی برای رفع مشکل در داخل اتخاذ نشده است. با وجود این، قرار دادن این گزینه در سیاست‌های پخش صرفنظر از اولویت آن امری است قابل دفاع و متناسب با درخواست‌های محیط رسانه‌ای جدید، چرا که امکان تعامل فرهنگی در سطح جهانی را فراهم می‌سازد.

و بالاخره انتخاب و پخش برخی برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای خارجی را می‌توان به‌عنوان پنجمین عنصر سیاست‌های مرتبط با پخش ماهواره‌ای کشور محسوب کرد. این گزینه از همان سال‌های اول عرض اندام تلویزیون‌های خارجی به‌عنوان یک گزینه‌ی قابل اجرا مطرح بود و مسئولان، بخصوص مسئولان صدا و سیما، به کرات اجرای آن را وعده می‌دادند و از آن به‌عنوان جایگزینی برای دسترسی مستقیم به کانال‌های خارجی یاد می‌کردند بدون آن‌که کم و کیف این نوع برنامه‌ها را مشخص سازند. امروز این وعده، خصوصاً از طریق شبکه‌ی چهار، کم و بیش اجرا می‌شود اما بسختی می‌توان تفاوت این رویکرد را با روال معمول استفاده از تولیدات خارجی که از قبل هم وجود داشت مشخص ساخت.

## نتیجه‌گیری

عواملی را که در بالا به آنها اشاره شد می‌توان مؤلفه‌های اصلی سیاست‌های مرتبط با پخش مستقیم ماهواره‌ای ج.ا.ا محسوب نمود. این سیاست‌ها دو گرایش را بازتاب می‌دهند. نخست گرایش توسل به شیوه‌های بازداری و منع دسترسی به منابع خارجی که عمده‌تأ در قالب «قانون منع استفاده از تجهیزات ماهواره‌ای» تبلور یافته و نقش پررنگ‌تری دارد. دوم گرایش به نوعی اصلاحات کمی و محدود. وجه مشترک هر دوی این گرایش‌ها نگرانی از ورود اطلاعات ناخواسته‌ای است که به زعم سیاست‌گذاران، تنظیمات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را مختل می‌سازند. علاوه بر دو گرایش به شدت رسانه محور هستند و به نقش مخاطب در فرآیندهای پذیرش یا رد اصلاحات دریافتی بهای لازم را نمی‌دهند، کما اینکه هیچ یک از آن دو به تغییرات بیشتر محتوایی و مشارکتی ناظر بر تأمین نظر مخاطبان عنایتی ندارند.

از آنجا که سیاست‌های فوق پیامدهای تحولات جدید رسانه‌ای و از جمله پخش مستقیم ماهواره‌ای را به خوبی بازتاب نمی‌دهند مشکل بتوان تصور کرد که این سیاست‌ها دستخوش تغییر نشوند. از طرفی از آنجا که نه اصلاحات محدود و نه قانون منع استفاده ... هیچ یک به نتیجه‌ی قابل قبولی دست نیافته‌اند باید منتظر بود که دستگاه‌های سیاست‌گذاری ارتباطی کشور در این حیطه رویکردهای جدیدی را در دستور کار و بررسی قرار دهند. قطعاً دموکراتیزه کردن نظام پخش از طریق پیشبرد روندهای محدودیت‌زدایی و اجازه‌ی فعالیت به بنگاه‌های مستقل تولیدی و پخش از جمله مواردی خواهند بود که نمی‌توانند از این دستور کار خارج بمانند. برای صیانت از هویت فرهنگی و ملی خود در برابر صدها شبکه‌ی مجهز و با تجربه‌ی خارجی راهی جز مشارکت گسترده‌ی مردم خصوصاً جوانان در تولید محصولات هنری - فرهنگی و دسترسی آسان آنها به شبکه‌های پخش وجود نخواهد داشت.



## منابع

- روزنامه ابرار ۲۸، ۲۹ و ۳۰ فروردین و ۱ اردیبهشت و ۹ مرداد ۱۳۷۳.  
روزنامه اطلاعات ۲۷ اردیبهشت و ۲ خرداد ۱۳۷۳.  
روزنامه اطلاعات چاپ لندن ۲۹ فروردین ۱۳۷۳.  
روزنامه جمهوری اسلامی ۳۰ فروردین و ۱۹ خرداد و ۶ مرداد ۱۳۷۳.  
روزنامه جهان اسلام ۱۱ اردیبهشت و ۳۰ تیر ۱۳۷۳.  
روزنامه رسالت ۱۳ و ۱۵ اردیبهشت و ۵ دی ماه ۱۳۷۳.  
روزنامه سلام ۵ اردیبهشت ۱۳۷۳.  
روزنامه کیهان ۱۶ فروردین ۲۱، ۲۷ و ۲۸ اردیبهشت ۱۳۷۳.  
ماهنامه گزارش اردیبهشت ۱۳۷۳.  
مجله گزارش فیلم اردیبهشت ۱۳۷۳ شماره ۵۱.  
مجله گزارش هفته ۲۷ فروردین ۱۳۷۳.  
هفته‌نامه بهار ۲ اسفند ۱۳۷۵.  
هفته‌نامه سینما ۱۴ اردیبهشت ۱۷۳ شماره ۱۰۶.

Collins, R. (1990). **Satellite Television in Western Europe**. London: John Libbey.

Fisher, D.I. (1990). **Prior Consent to International Direct Statellite Broadcasting**.

Boston/London: Martinus Nijhoff Publishers.

Ganley, D. H & Ganley, G. D. (1989). **To Inform or To Control? The New Communication Networks**. Nerwood: Ablex Publishing Corporation.

McQuail, D. (1994a). **Mass Communication Theory**. London: Sage.

McQuail, D. (1994b). "Mass Communication and Public Intrest; Toward Social Theory for Media Structure and Performance". In Crowley. D.& Mitchell, D. **Communication Theory Today**. London: Sage.



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی